

## بر خیز هموطن بر با، بر با

تا شعله ای رزم را باز فروزان کنیم  
ز خون خود کوه و دمن چراغان کنیم  
دژخیم مستبد را گلو بفشاریم سخت  
حلقه زنجیر را در پای نگهبان کنیم  
خاشاک سرمایه را با جاروب روبیم  
جهان سر مایه را با عمل حیران کنیم  
این ظلم را پایان اگر نیست چرا نیست؟  
سر خویش لحظه در گریبان کنیم!  
اغلاط خود را دانه دانه بشماریم  
کلاه خویش قاضی جلوچشمان کنیم  
شمشیر استبداد دست دژخیم بر آریم  
با نوک شمشیر باز درب زندان کنیم  
تاکی با آتش سوزیم قامت خود را؟  
وقت آنست که نا گفتنی ها بیان کنیم  
سلاح آتشین را زدست دشمن بر بایم  
آتش بجان این ناخوانده مهمان کنیم  
گرچه مشقت فراوان است در پیشرو  
مر هر چه سخت است بخود آسان کنیم  
باهمت و زور بازوی فولادین خود  
این کاخ استبداد را از بن ویران کنیم  
یقین و ایمان ما به پیروزی نهاییست  
خاک بر سر مرتجع بی ایمان کنیم  
بگزاریم دست بدست و هم پیمان شویم  
دور ز خود عهد شکن بی پیمان کنیم  
زندگی جاده نا همواری دارد "سوما"  
نه هر اسیم و دشمن را سنگ فلاخان کنیم

(سوما کاپیانی) 2010/01/03

بر خیز هموطن بر با، بر با

